

خطابه افتتاحی در جشن هزاره ابن سینا

جشنی که بمناسبت هزارمین سال قمری ولادت شیخ رئیس ابوعلی سینا معروفترین حکیم مشرق اسلامی در بغداد برپا شد و با اصطلاح معمول عربها «مهرجان ابن سینا» نامیده میشود شایان توجه همه مسلمین و موجب سرفرازی ایرانیان بود. ابن حکیم نامدار که پدرش از بلخ و خود متولد در بخارا از مادربخارائی بود در خوارزم و اصفهان و همدان زندگی کرده و در این شهر آخری وفات کرده است از حیث نژاد دلیلی قوی برای شک در ایرانی نژاد بودن او بنظر نمی رسد، ولی هم افغانستان میتواند با و مباحثات کند که زاد و بوم پدران او فعلا جزو آن مملکت است و هم بخارا که امروز جزوی از مملکت جدید تشکیل او زبکستان شده است زیرا هم مادرش از اهل آنجا بود و هم خود در آنجا چشم بدین جهان گشوده است و چون مؤلفات او که مظهر روح و عقل و معرفت و اجتهادات او است بیشتر بزبان عربی است که در آن زمان زبان علم در عالم اسلام بود عالم عربی نیز در قدرشناسی او کاملا ذی حق است و بهیچ وجه بیگانه نیست و اگر عمومی محافل علمی اروپا نیز در ذکر جمیل او شرکت کنند حقی بسزادارند، چه قرنهاي متوالی کتب و فلسفه و طب او منبع عمده تعلیمات مدارس مغرب زمین بود و وی در آن سرزمین نیز تالی افلاطون و ارسطو بود. پس هر يك از ملل اسلامی و حتی ملل غربی سهمی از افتخار عظمت مقام و وسعت علم او داشته یا بهره ای برده اند. در این میان ترکها نیز علو قدر و مقام او را شناخته و خواسته اند بیک نحوی سهمی در این مال مشترك ملل اسلامی داشته باشند و لذا بمناسبت غلبه اقوام ترکی نژاد در قرون اخیر در ماوراءالنهر بخارای هزارسال قبل را نیز بقیاس بمصر اخیر ترك نشین فرض کرده و مادر ابن سینا را ترك شمرده و در چندسال قبل جشن لایقی بین المللی بمناسبت نهمصدمین سال شمس تولد این «فیلسوف بزرگ ترك» برپا کردند و ما از اینکه قومی دیگر از بیک حکیم عالیقدر ما تکبریم کنند باید خشنود باشیم و نباید از التباس تاجیک به ترك (که هنوز هم در بخارا این دو نژاد برادر وار با هم زندگی میکنند) ملالی پیدا کرده یا بمباحثه و مجادله در چنین موضوعی که تغییر حقیقت در آن حتی با شدت احساسات سیاسی ملت پرستی باب امروز ممکن نیست برخیزیم. اگر در زمان ابن سینا هم این نزاع نژادی بین مسلمین وجود داشت آن حکیم هم مثل بیرونی صریحا در رد این تعصبات چیزی مینوشت.

جامعه دول عربی از سه چهارسال قبل در باب یادبود حکیم بزرگ (عربی «ذکری ابن سینا») مصمم شده و قراری قطعی اتخاذ نمود و پس از تبادل نظرها و مذاکرات و تهیه مقدمات لازمه مقرر داشتند که این جشن هزاره در عراق که مرکز علم و فلسفه در عصر ابن سینا بود اقامه شود.

دعوتهایی به فضلالی ممالک عرب و اروپا و همچنین بملل اسلامی غیر عرب که آنها را در تحت اسم عام «اقطار شرقیه» جادادند فرستاده شد و موعد این انجمن بین المللی را در آغاز بهار معین کردند که بقول خودشان از ۲۰ تا ۲۷ مارس فرنگی نباشد منعقد گردد. در ایران تا آنجا که من میدانم سه نفر دعوتنامه رسیده بود که یکی آقای حکمت و دیگری آقای دکتر صدیقی و سومی اینجناب هر سه از اعضای انجمن آثار ملی بودیم. بدبختانه آقای دکتر صدیقی که در این امر شایستگی تمام داشت بواسطه گرفتاریهای اداری نتوانست مسافرت نماید. اینجناب روز یکشنبه ۱۲۵ اسفند ماه ۱۳۳۰ از طهران بوسهله قطار

راه آهن حرکت کرده و از راه خرمشهر و بصره به بغداد رفتیم. روز چهارشنبه که به بغداد وارد شدیم آقای حکمت هم همان روز از طهران باطیاره رسیدند. در ورود من در ایستگاه راه آهن آقای ناجی الاصلیل رئیس محترم انجمن ابن سینا (لجنه) و آقای قدس نخعی سفیر کبیر ایران و اعضای سفارت برای استقبال حضور داشتند و خیر مقدم گفتند.

برای مدعوین در مهمانخانه های عمده بغداد جایزه شده بود و تمام مدت اقامت مادر آنگاهم مادونفر و هم آقای علی پاشا صالح که لطف فرموده بامهمراهی فرموده بودند و با آقای حکمت آمدند و آقای شاق که باینجانب کمک و همراهی کرد مهمان دولت عراق بودیم و اذیت منزل و غذا و غیره پذیرائی مهمان نوازانه بعمل آمد.

صبح روز ۲۹ اسفند اجتماع نمایندگان در طالار بلدیہ واقع شده آشنائی بعمل آمد و از عصر آن روز تا روز جمعه ۸ فروردین که جلسه وداع منعقد شد همه روز و روزها از ساعت ۹ صبح تا ساعت یک بعد از ظهر و از ساعت ۴ تا ۶ جلسات عمومی تشکیل و خطابه های علمی ایراد میشد و اوقات نهار و شام و چائی عصر هم غالباً مهیانیهای لزطرف رئیس الوزرا، و رئیس انجمن و وزیر معارف و رئیس بلدیہ و کلوب و کلابی عدلیه و غیرهم برای نمایندگان دایر بود. برای نمایندگان ایران هم دوستان محترم ایران مانند آقای فاضل جمالی و آقای داود چلبی و آقای سید باقر بلاط ازارکان شیعه مهیانیهای بسیار شایسته و گرم دادند. البته سفارت کبری ایران علاوه بر مهیانی خصوصی مکرر مجلس مهیانی خیلی عالی و بی نظیری در دومین روز ورود ما مقارن نوروز برای شام برپا کرد که فوق العاده باشکوه و قابل تمجید و مورد تحسین همه بود و غذاهای دلکش ایرانی مطلوب خاص و عام واقع بود. تقریباً همه اکابر بغداد از عراقی و خارجی و رئیس الوزرا، و وزراء، حضور داشتند و بسیار خوش گذشت. از فضلی ایرانی آقای محیط طباطبائی که مأمور معارفی دولت ایران در عراق و بسته سفارت کبری است نیز جزو نمایندگان ایران در انجمن حاضر بودند و احاطه علمی ایشان و مباحثاتشان در مجمع باعث خوشوقتی همه ما و سر بلندی ایرانیان بود. ایشان نیز بنمایندگان ایران ضیافت تکلف آمیز و مطبوعی دادند که قطعاً از حد میزان بودجه ضعیف و ناتوان نماینده وزارت معارف خارج بود و البته موجب تشکر ما گردید.

جلسات انجمن بین المللی ابن سینا بایک جلسه افتتاحی ابتدائی در طالار ملک فیصل (قاعة الملك فیصل) که طالار بزرگ و آبرومندی بود شروع شد و جلسه از طرف نایب السلطنه و ولیعهد عراق و الا حضرت امیر عبدالاله رسماً با چند کلمه نطق تمناى موقیبت و خوش آمد بنمایندگان افتتاح شد. پس از افتتاح و الاحضرت به جرحه بالائی مقابل صحنه نطق تشریف برده تا آخر جلسه با معیت وزرا، آنجا بودند. بعد از آن وزیر معارف و پس از ایشان رئیس انجمن نطق تشریفاتی کردند و بعد یک نفر از طرف جامعه دول عربی و یکی از طرف یونسکو و یک نفر از طرف «اقطار شرقیه» و یکی دیگر بنام نمایندگان اروپائی نطق کردند. به نمایندگی از ممالک شرقی نماینده ایران (اینجانب) نطق کرد و همه نطقها (بجز مال یونسکو) بزبان عربی بود. نطق اینجانب در ذیل این شرح اجمالی عیناً باصل عربی و همچنین ترجمه فارسی آن درج است. همه نطقها از همان طالار نطق در تمام مملکت بوسیله رادیو در همان وقت منتشر میشد و همه اهل عراق میشنیدند، چنانکه در نجف اشرف بعضی از علماء، قستهائی را از عین نطق من برای اینجانب تکرار کردند.

پس از جلسه افتتاحی با انتخاب هیأت رئیسه اقدام شد و آقای ناجی الاصلیل بریاست و ازهر کدام از وفود عربی و اقطار شرقی و ملل اروپائی یک نایب رئیس انتخاب شد که همیشه در صحنه مقام

ریاست بهلوی رئیس می نشستند. اینجانب را نیز از بین ملل شرقی (غیر عربی) به نیابت ریاست انتخاب کردند .

از روز دوم خطابه های علمی (محاضرات) شروع شد و جمعا در آن يك هفته بیش از ۳۰ خطابه که هر يك از ۱۵ دقیقه الی نیم ساعت طول میکشید خوانده شد . از جمله آقای حکمت خطابه ای در باب کتب فارسی ابن سینا و شرح آنها و اقداماتی که در ایران برای طبع و نشر آنها میشود ایراد نمودند. آقای محیط طباطبائی هم شرحی راجع به تحقیق در سال تاریخ تولد ابن سینا بیان کردند.

از نکات قابل ملاحظه آنکه آن طالارانجن که سخن و ابوابهای سه طبقه آن کنجایش قریب هزار نفر با قدری کمتر داشت در تمام مدت محاضرات بر بود و اهل فضل و علاقمندان بعلم و ادب از هر قبیل حضور داشتند و ساعتها با سکوت کامل و توجه تمام و دقت مطالب ناطقین را تعقیب میکردند و از آنجمله هده ذبادی از محصلین مدارس عالیہ و مخصوصاً بسیاری (شاید قریب صد نفر) از محصلین انات یا محصولات حاضر بودند و با کمال متانت و بدون خستگی یا توجه به بین و بسار مراقب بیانات خطباء بودند که شایسته سرمشق بودن است . اغلب خطابه ها مفید و پرمعنی بود و چون ظاهراً همه بشکل کتابی طبع و نشر میشود شرح آنها در اینجا لازم بنظر نمی آید . اگر چه تبعیض بین اشخاص محترم و فاضل و ذکر بعضی دون بعضی شاید موافق آداب دیده نشود، لکن نمی توانم اذکر بالخصوص دو نفر بگذرم ؛ یکی رئیس انجمن آقای ناجی الا سیل است که واقعاً اصیل و در نجابت اخلاق و متانت و ادب و نزاکت و مهربانی و رعایت نکات مهمان نوازی بیهمتا بود و دیگری اداره کننده جلسات انجمن آقای دکتر مدکور رئیس هیأت مصری بود که در حسن اداره و لیاقت و سخن سنجی و بلاغت بمعنی حقیقی کلمه فوق العاده بود و کامیابی انجمن بمیزان معتدبه مدیون وجود این دو شخص عالیقدر بود .

در خانه بطور جمله مترضه اینرا هم بگویم که رئیس مجلس اعیان روزی اینجانب را به مجلس دعوت کرد و در آنجا حضور یافتم و پس از پذیرائی در اطاق رئیس بانایب رئیس مجلس به جلسه رفتیم و ساعتی مذاکرات را استماع کردیم . نایب رئیس از راه لطف در محل تماشاچیان محترم بهلوی من نشست و مطالب را توضیح و ناطقین را معرفی میکرد . اینک متن خطابه افتتاحی اینجانب بعربی و ترجمه آن بفارسی :

رتال صلح قوم انسانی

صاحب السمو الملکی

اصحاب الفخامه و المعالی

سیداتی و ساداتی

بعدان اقوم باول واجب یترتب علی هنها وهوالتعبیر عن خالص شکرنا انا و زملائی الایرانیین لسلطات هذه البلاد العلیا و کبار زعمائها و رجال الدولة فیها لدعوتهم الکریمه لنا و ما احاطونا به من رعاية و کرم ضیافة اذ افسحوالنا المجال لنشترک فی هذا الاحتفال علی ان اقول قبل کل شیء انی لقد جئت هنا بسرور و اشعر بالغبطة للاشترک فی تکریم ذکرى عالم مسلم عظیم ملات شهرته الدنیا .

ليس لدى ما قوله اليكم في صدد هذه الذكرى خاصة اتم الذين اشتهرتم بالبحث والتتبع لاننى لست متخصصاً ولا استطيع الادعاء بكونى من الباحثين لست كما يقول الافرنسيون un orientaliste de metier او كما يقول الالمان Fachman ولكننى قبلت هذه الدعوة الكريمة فجنّت الى هنا للاشتراك فى مجتمعكم العلمى لاتعلم قليلا وليس لاضيف شيئا الى معلوماتكم الواسعة او بالاحرى جنّت لاساهم فى هذا المجتمع الاممى لرجال العلم دون ان يكون لى اى دو رفيه فاننى هنا مستمع و مشاهد كالخارجيين الذين يحصرون محاضرات الجامعات .

ان صلات بلادنا وشعبنا بالعراق ذات اوجه عديدة من الصداقة والاخوة والمودة لذلك انه من دواعى ارتياحنا العظيم ان يتخذ العراق بتأييد العالم العربى هذه الخطوة المحمودة للاحتفال بالذكرى الالفية للفيلسوف المسلم الشهير الذى يرقد جثمانه فى همدان حيث نعزم القيام بمثل هذا الاحتفال خلال هذا العام . لقد كان ابن سينا مسلماً عظيماً تعود مفاخره على مسلمى العالم جميعاً على اختلاف عناصرهم واذ كان ابوه من بلخ الكائنة اليوم فى افغانستان الحاضرة واذ كان مولودا بالقرب من بخارى الكائنة الان فى ازبكستان واذ كان قد كتب اكثر مؤلفاته بلغة العلم يوم ذاك اللغة التى كانت للعالم الاسلامى بمثابة اللاتينية لاوروبا و اقصد بها اللغة العربية واذ اهدت اوروبا فى القرون الوسطى بتعاليمه عدة قرون بقدر ما اهدت بها الشرق فايران أيضاً تفتخر به اذ كان احد مواطنى اصفهان ثم همدان حيث توفي فيه ويعتقد ابناء بلادنا انه لو امكن الرجوع فى تحقيق اصل العنصرية المتطرفة واتخذت الوطنيه الافراطيه المضللة سبيلا لها الى ما قبل الفسنة لوجد الدم الذى انساب فى عروقه ايرانيا ولواننى لا اريد ان اناقش الان هذه الامور و يسرنا ان اخواننا الاثراك ايضاً احتفلوا قبل بضع سنوات بمرور ٩٠٠ سنة على ولادة ابن سينا مدعين نسبته اليهم باعتبار امه بخاريه بزعمهم .

انى اعتقد باننا كاخوان مسلمين يجب ان لا نتنازع فى هذا الامور ومن الخير لنا ان نترك قضية دم ابن سينا وعنصريته فنكتفى بقراءة كتبه وتتبع القضايا العلمية التى عالجهـا . ان نسبة ابن سينا والفارابى لكم هى كنسبة ابن خلدون وابن رشد لنا .

ان فكرة الوطنية الحديثة (التي قد تكون احيانا منظوية على التعصب الاعمى وحمية الجاهلية في بعض الحالات) يجب ان لا تكون رجعية ويكفيها منها ما لحقنا من اضرار. ان الثقافة الاسلامية واحدة وغير قابلة للتجزئة وهي ميراث للجميع نحن هنا في محل كان مقر الخلافة العباسية الاسلامية الكبرى و دامت عدة قرون مركزا وحيدا للسلطة الاسلامية في جميع انحاء العالم الاسلامي باستثناء الزاوية الصغيرة في جنوب غربي اوروبا اى الاندلس التي حكمها قرع من الامويين ولا يمكن ان تعتبر بغداد عاصمة الخلافة الشرقية الا بعد العهد الذي تاسست فيه الخلافة الفاطمية في مصر ومع ذلك قد دامت بغداد مركزا عظيما للمعرفة على اختلاف انواعها حتى استيلاء المغول على الممالك الاسلامية و بسطهم السلطان السياسي والزهني عليها و كما كانت روما في الغرب المركز الذي «تنتهي اليه الطرق» كذلك كانت بغداد في الشرق الاسلامي المركز الذي تودى اليه كل الطرق .

نقد كانت الثقافة الاسلامية ثروة عامة الامم الاسلامية او بالاحرى للامة الاسلامية بحيث كان انتاجها الدال على العبقرية الانسانية والذكاء مشترك بين تلك الامم من كاشغر في حدود الصين الى القيروان وسجلماسه ومراكش وفاس المنتهي الى الساحل الاطلنطي اكثر من الاشتراك فيما الف باللغة الانكليزية في عهدنا هذا في نيوزيلنده واستراليا ولايات امريكا الشمالية الوسطى بين قاطني تلك البلاد.

لذلك من المناسب جدا ان تقام حفلات تكريم ذكريات ابن سينا والزمخشري وابن خلدون الان او في المستقبل هنا في هذا البلدة القديمة بغداد التي هي بمثابة الام الكبرى كما يجب ان تكرم ذكريات الكندي والخطيب البغدادي اللذين هما بغداديان بمفهومها الضيق . وبالختام اقدم خالص شكري للجنة ابن سينا ورئيسها حضرة صاحب المعالي الدكتور ناجي الاصيل و كل العاملين معه والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته .

والاحضرتا ... بزرگان و اولیای محترم دولت ... خانمها و آقایان
 پس از ادای نخستین وظیفه ای که اینجا بر من فرض است و آن عبارت از تشکر صمیمانه خودم و همراهان ایرانی من است از رجال و بزرگان دولت عراق که با دعوت و مهمان نوازیهای خود فرصت شرکت در این جشن را بما دادند - و پیش از هر چیز - باید بگویم که من با خوشحالی و افتخار بسرای اشتراک در جشن یادبود دانشمند مسلمان بزرگی که شهرتش جهان را فرا گرفته است؛ باینجا آمدم.
 من در این یادبود خاصه در محضر شما باحثین و متتبعین سخنی قابل ذکر ندارم، زیرا من متخصص نیستم و نمیتوانم خود را از جمله محققین بدانم. من بقول فرانسویها يك orientaliste de metier

یا بقول آلمانها Fachman نیستیم، با وجود این من این دعوت کریمانه را پذیرفتم و برای اشتراك در انجمن علمی شما آمدم تا چیزی یاد بگیرم، نه اینکه بر معلومات وسیع شما چیزی بیفزایم یا بعبارت دیگر من در این مجمع علمی بین المللی حضور می یابم بدون آنکه خود در آن سهمی داشته باشم، مثل اشخاص خارجی که در خطابه های مدارس عالیّه حضور بهم میرسانند.

ما از جهات عدیده از حیث دوستی و صمیمیت و برادری با عراق بهم پیوسته ایم، از این جهت برای ما جای بسی خوشوقتی است که دولت عراق بیاری دنیای عرب این قدم پسندیده را برای جشن یسادی بود هزاره فیلسوف مسلمان مشهوری که بدنش در همدان (جائیکه ما امسال قصد داریم نظیر این جشن را در آن بپا کنیم) بزرخاک است بر میدارد. این سینا مسلمان بود و افتخار با و بشمام مسلمانان جهان با تمام اختلافات در قومیت، میسزد و اگر پدر او از بلخ که در افغانستان کنونی واقع است بوده و اگر تولدش در بغداد که امروز جزو ازبکستان است اتفاق افتاده و اگر بیشتر تألیفات او بزبان عربی است که آنروز برای عالم اسلام نظیر زبان لاتین برای اروپا و ازبکستان بود و در قرون وسطی از تعالیم او باندازه مشرق زمین استفاده برده ایران ما هم میتواند افتخار کند که او مدتی در اصفهان و بعد در همدان زیسته و همانجا وفات یافته است و مردم مملکت ما معتقدند که اگر تحقیقات افراطی در اصل نژادها را با وطن پرستی افراطی و کمراه کنندۀ باب امروز بتوان تا هزار سال عقب برد معلوم خواهد شد که خونی که در عروق این سینا جریان داشته خون ایرانی بوده است. اگر چه من امروز نمیخواهم درباره اینگونه امور بحث و مناقشه کنم و برای ما جای خوشوقتی است که برادران ترك ما هم چندی پیش جشن نهمین سال ولادت این سینا را گرفتند زیرا مدعی بودند که مادر او که اهل بخارا بود ترك بوده است.

اعتقاد من بر این است که ما که با هم برادر و مسلمانییم نباید در امثال این قبیل امور بنزاع پردازیم، بلکه برای ما بهتر این است که داستان اصل و نژاد این سینا را کنار بگذاریم و بقرائت کتب او و تتبع مسائل علمی که او دنبال کرده اکتفا کنیم. نسبت فارابی و ابن سینا بشما مثل نسبت ابن رشد و ابن خلدون بشما است.

ملت پرستی افراطی باب امروز را (که گاهی منجر به تصب کور کوران و حقیقت جاهلیت میشود) نباید بزمانهای گذشته سوق داد و زیانهای که امروز گاهی از آن بیمار سیده برای ما کافی است. تمدن اسلامی یکی است و تجزیه بردار نیست و میراث همه است. ما اکنون در جاتی هستیم که مفر خلافت بزرگ اسلامی بنی العباس بود و قرنهای آنها مرکز حکومت اسلامی در جمیع بلاد اسلام محسوب می شد، بجز گوشۀ کوچکی در جنوب غرب اروپا یعنی اندلس که تحت حکومت شعبه ای از بنی امیه بود و نمیتوان بغداد را مرکز خلافت شرقیه دانست مگر پس از آنکه خلافت فاطمیه در مصر تأسیس یافت و با وجود این تا هنگام تسلط مغول و بسط قدرت سیاسی آنان بر ممالک اسلامی، بغداد مرکز بزرگ جمیع شعب دانش و فرهنگ بود و همچنانکه در غرب شهر رم مرکزی بود که «همراهان منتهی میشد»، بغداد هم در شرق اسلامی مرکزی بود که همراهان بآن میرسید.

تمدن اسلامی ثروت عمومی ملل اسلامی را بهتر بگوئیم ملت اسلام بود و نمرات آن که دلالت بر هوش و نبوغ انسانی مینماید میان این ملل از کاشغر در حدود چین تا قیروان و سجلماسه و مراکش در ساحل اقیانوس اطلس، مشترک بود و این اشتراك مدنی و عرفانی بیش از اشتراكی است که اکنون میان ممالک انگلیس زبان از حیث کتب و نوشته ها در انگلستان و ولاند جدید و استرالیا و ممالک مرکزی آمریکای شمالی موجود است از این جهت مناسب چنین است که جشنهای تذکر این سینا و زمه شهری و ابن خلدون در حال و آینده در این شهر قدیمی بغداد که برای بلاد اسلامی بمنابۀ مادری بزرگ بوده است گرفته شود، همچنانکه محل جشن خطیب بغدادی و کندی که بمفهوم تنک کلمه بغدادی بودند می باید در بغداد باشد. در خاتمه تشکرات صمیمانه خود را بانجمن ابن سینا و رئیس آن جناب آقای دکتر ناجی الاصبیل و کلیۀ کسانی که با ایشان کار میکنند تقدیم میدارم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.